



ایران و مسئله پایداری

پنجاهمین نشست از سلسله نشست‌های گفتگوهای راهبردی با عنوان «ایران و مسئله پایداری» در تاریخ ۱۳ تیرماه ۱۳۹۷ در سالن تدبیر مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری برگزار شد.

پنجاهمین نشست گفتگوهای راهبردی به ارائه گزارشی درباره نتایج اولیه پروژه‌های پژوهشی با عنوان پایداری ملی و سیستم‌های حکمرانی اختصاص داشت که در یک سال و نیم گذشته در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری توسط چهار تن از پژوهشگران این مرکز (سجاد فتاحی، محدثه جلیلی، روح‌الله قاسمی و محمد فکری) دنبال شده و اکنون به مراحل نهایی رسیده است.

در این نشست، نتایج این پروژه، ذیل چهار بخش کلی پایداری ملی، ابعاد و شاخص‌ها، جایگاه ایران در فضای حالت پایداری، پایداری ایران و کیفیت حکمرانی و کیفیت حکمرانی توسط یکی از پژوهشگران ارائه شد.

فتاحی در ابتدای ارائه خود با اشاره به اینکه ایران در شرایط کنونی با بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی در هم‌تنیده‌ای روبروست که بواسطه محسوس شدن پیامدهای این بحران‌ها، عالم و عامی و سیاست‌مدارانی از جناح‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی به آن‌ها اذعان دارند، اینگونه گفت: به نظر می‌رسد اکثریت قابل توجهی از ایرانیان در شرایط کنونی بر دو جمله اشتراک نظر دارند ایران در شرایط کنونی ناپایدار است و ایران باید پایدار باشد از این رو مفهوم پایداری ایران، می‌تواند بنیانی برای آغاز گفتگو بین ایرانیانی از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف داخل و خارج از کشور باشد، که بدون همراهی تمام آنها عبور از این بحران‌ها و به پایداری رساندن ایران، امکان‌پذیر نیست.

وی در ادامه بیان کرد: هنگامی که از پایداری ایران سخن می‌گوییم، مقصود ما مدیریت یک واحد جغرافیایی اجتماعی به وسعت ۱ میلیون و ۸۷۳ هزار و ۹۵۹ کیلومتر مربع به گونه‌ای است که این سیستم پیچیده، با مصون ماندن از اثر عوامل اخلاص‌گر درونی و بیرونی، در طول زمان استمرار یابد؛ ناپایداری ایران، نیز هرگونه وضعیتی است که در مراحل نهایی می‌تواند به تغییر مرزهای این سیستم و پیدایش سیستم‌های جغرافیایی سیاسی جدیدی منجر شود که علیرغم مشابهت با نام ایران، دیگر نمی‌توان آنها را همان سیستم قبلی دانست.

این پژوهشگر سیستم‌های حکمرانی، در ادامه با بیان این نکته که در ادبیات جهانی، پایداری، تبدیل به دانش‌واژه‌ای مرزی شده است که مرزهای بین علوم مختلف را در نوردیده و علوم را با سیاست و سیاست را با علوم پیوند می‌دهد. خاطر نشان کرد که: برای پایداری واحدهای جغرافیایی اجتماعی در سطوح گوناگون، به متخصصینی نیاز داریم که توانایی

اندیشیدن خارج از مرزهای تخصصی خود را داشته باشند و از سوی دیگر باید توجه داشته باشیم که بواسطه پیوستگی واحدهای جغرافیایی اجتماعی، بهبود وضعیت پایداری یک واحد نباید به قیمت ایجاد ناپایداری در واحدهای دیگر ایجاد شود.

فتاحی ادامه داد: از آن رو که ایران سیستمی پیچیده متشکل از دو بعد کلی محیطزیست و جامعه و سه رکن اساسی محیطزیستی، اقتصادی و اجتماعی است، پایداری ایران و هر واحد جغرافیایی اجتماعی دیگری در گرو پایداری همزمان این سه رکن اساسی است؛ و برای شناسایی جایگاه یک واحد جغرافیایی سیاسی در فضای حالت پایداری باید این سه رکن اساسی را با شاخص‌هایی دقیق مورد سنجش و ارزیابی قرار دهیم.

وی در ادامه با معرفی مجموعه شاخص پایداری استخراج شده در این پژوهش، ذیل سه رکن اصلی فوق، که بخش اعظم آن نتیجه کوشش‌های آقایان محمد فکری و روح‌الله قاسمی است، سنجش دقیق این مجموعه شاخص را مقدمه‌ای لازم برای شناخت دقیق جایگاه ایران در فضای حالت پایداری دانست.

این تحلیل‌گر مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، در ادامه نشست با ارائه گزارشی از وضعیت ایران بر اساس شاخص کامیابی موسسه لگاتوم که آن را نزدیک‌ترین مجموعه شاخص سنجیده شده به مجموعه شاخص پایداری معرفی شده در این پروژه معرفی نمود تلاش کرد که تصویری از جایگاه ایران در فضای حالت پایداری ارائه کند. او همچنین تاکید کرد که همین مجموعه شاخص نیز به دلایلی چون عدم دقت برخی سنجش‌ها و نامناسب بودن برخی شاخص‌ها، نمی‌تواند بیانگر جایگاه دقیق ایران در فضای حالت پایداری باشد اما به نظر می‌رسد تا زمان سنجش دقیق وضعیت پایداری ایران در داخل کشور، برای کسب شناختی کیفی نسبت به این جایگاه در این مرحله در مقایسه با سایر شاخص‌ها مناسب‌تر است.

وی در ادامه نشست با طرح این پرسش که جایگاه نامناسب کنونی ایران در فضای حالت پایداری را می‌توانیم نتیجه چه مجموعه عاملی بدانیم؟ گزارشی از نتایج این پروژه که حاصل مقایسه‌ای تطبیقی و بهره‌گیری از نظریه مجموعه‌ها برای پاسخ‌گویی به این پرسش بود را ارائه کرد.

فتاحی ادامه داد که ما در این پروژه در تلاش برای پاسخ به این پرسش، به عامل کیفیت حکمرانی در ایران رسیده‌ایم. به عبارتی شکست حکمرانی در ایران، مهمترین دلیل جایگاه نامناسب این کشور در فضای حالت پایداری است؛ و علت شکست حکمرانی را می‌توانیم در هفت عامل ضعف پاسخ‌گویی، ضعف ثبات سیاسی و عدم خشونت، ضعف کارآیی حکومت، ضعف کیفیت مقررات تنظیمی، ضعف حاکمیت قانون، ضعف کنترل فساد و ضعف شفافیت بدانیم.

وی در ادامه، نتایج تلاش‌های صورت گرفته در این پروژه برای تهیه مجموعه شاخصی برای سنجش کیفیت حکمرانی در ایران با توجه به ادبیات جهانی موجود و اقتضائات داخلی و بومی ایران و همچنین کوشش‌های صورت گرفته برای

تعیین جایگاه ایران در فضای حالت کیفیت حکمرانی را که بخش عمده آن حاصل کوشش‌های خانم محدثه جلیلی، یکی از پژوهشگران این طرح، بود ارائه کرد.

فتاحی پس از این بخش در تلاش برای تعمیق تبیین ارائه شده در این پژوهش برای شناسایی علت اصلی جایگاه نامناسب ایران در فضای حالت پایداری، این پرسش را طرح کرد که علت شکست حکمرانی در ایران را باید در چه عاملی جستجو کنیم؟ و ادامه داد که پاسخ این پروژه به این پرسش، کیفیت نازل طراحی سیستم حکمرانی در ایران و وجود نواقصی جدی در قوانین، اجزا و روابط بین اجزای این سیستم حکمرانی است.

فتاحی سخنان خود را با این گزاره‌ها به پایان برد:

عدم اصلاح سیستم حکمرانی، فارغ از به قدرت رسیدن این و یا آن جریان سیاسی، سبب ادامه شکست‌های حکمرانی در ایران خواهد شد.

ادامه شکست‌های حکمرانی سبب تشدید و تعمیق بحران‌های در هم تنیده اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی و در نتیجه نزول بیشتر جایگاه ایران در فضای حالت پایداری تا رسیدن به نقطه بی‌بازگشت و عبور ایران از مرز پیچیدگی به آشوب خواهد شد که در آن فضا با توجه به شرایط منطقه‌ای و جهانی، پیش‌بینی به دشواری امکان‌پذیر است. به نظر می‌رسد نوسانات شدید بازار در ایران نشانه‌های مقدماتی حرکت از مرز پیچیدگی به آشوب در جامعه ایرانی است.

در بخش دوم نشست نیز حاضران، نقطه نظرات و انتقادات و پیشنهادات خود را در رابطه با نتایج این پژوهش بیان کردند.